

جنبش دانشجویی را تصفیه کنیم

سرانجام پس از دو سال کشمکش انتخابات شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت- شاخه ی علامه- در دانشگاه خواجه نصیر طوسی برگزار و در برابر بهت بسیاری از ناظران جنبش دانشجویی ترکیب سابق اعضا تکرار گشت. شعار دموکراسی که مدت ها توسط فعالیت دفتر نشخوار می شد توسط خود این افراد لگدمال شد. فرقه گرایی و تمامیت خواهی اعضای دفتر تحکیم بر همگان ماهیت واقعی این تشکل وابسته به حکومت را آشکار کرد. برای ما دانشجویان که بارها در انتخابات شوراهای مرکزی انجمن های اسلامی دانشگاه خود شاهد چنین برخوردهای حذفی از طرف سرسپردگان دفتر بوده ایم این موضوع تازگی ندارد.

دفتر تحکیم وحدت در اوایل انقلاب با حکم مستقیم آیت الله خمینی آغاز به فعالیت نمود و نزدیک به یک دهه در سراسر دانشگاه های کشور فعالیت های جاسوسی انجمن های اسلامی را رهبری کرد. پرونده سازی برای دانشجویان مخالف نظام یکی از نمونه های ناچیز عملکرد دفتری است که از پایگاه های اصلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در آموزش عالی به شمار می رفت.

تحکیم وحشت که امروز داعیه ی رهبری جنبش دانشجویی را دارد در آن سال های خفقان آن چنان جو ی پلیسی بر دانشگاه ها حاکم ساخته بود که بزرگترین ضربات را بر پیکر جنبش در طول تاریخ مبارزه وارد ساخت.

خیانت‌هایی که به جامعه‌ی دانشگاهی برای حذف گرایش‌ات چپ در راستای تحکیم پایه‌های نظام آخوندی صورت می‌گرفت هرگز از پادها نخواهد رفت. اما زمانی که در هیاهوی کاذب انتخابات ریاست جمهوری دو خرداد ۷۶، دفتر برای حمایت از سردمداران دیروز این نهاد که امروز در ردای اصلاح طلبی از مجموعه‌ی نظام مشتق شده بودند وارد کارزار انتخابات شد، برای کسب آرای دانشجویان، مزورانه تغییر چهره داد. چماقداران سابق که همپای برادران خود در بسیج دانشجویی وظیفه‌ی مقدس ارباب دانشجویان و اساتید را به نحو احسن انجام می‌دادند حال خود را در کلام خصم مادرزاد راست‌گرایان جا می‌زدند، میتینگ‌های جنجالی در نقد ولایت مطلقه‌ی فقیه به راه می‌انداختند، دم از دموکراسی دینی می‌زدند و با ملی مذهبی‌های از نفس افتاده برای اصلاحات خیالین خود ائتلاف می‌کردند. ملغمه‌ی مضحکی از ملیت و مذهب برای دموکراتیک کردن جامعه‌ی ای که تا خرخره در فلاکت فرورفته بود.

در واقع کشمکش بر سر قدرتی که محرک چنین رگبارهای ناپایداری است، موجی در می‌گیرد و میانه‌ی راه فرو می‌نشیند چرا که پایگاه توده‌ای ندارد اگر چه شاید برای اندک زمانی بتواند با هوجبگری جمعیتی به کثرت بیست میلیون نفر را بفریبد. اما سال از هویدا گشتن خورشید حقیقت از پس ابرهای کذب حمایت‌ها از کف می‌رود همان طور که چهار سال کافی بود برای بالا گرفتن نارضایتی مردم. دولت، مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا همه در اختیار اصلاح‌طلبان بود و دیگر حنای سنگ اندازی اقتدارگرایان در مسیر اصلاحات رنگی نداشت.

در این میان تحکیم که همواره بر ادعای واهی استقلال این تشکل از دستگاه‌های حکومتی اصراری تاریخی دارد- در حالی که بودجه‌ی لازم برای

مخارج دفتر در برگزاری همایش‌ها، اردوهای توجیهی و سخنرانی‌های متعدد از حامیان آن در حکومت تأمین می‌شود. با یک حساب سرانگشتی از وضعیت اصلاحات در نظام از مواضع اسبق خود چرخش کرد و برخلاف انتخابات گذشته، در دوره‌ی دوم شوراهای شهر و روستا از دادن لیست کاندیدهای مورد حمایت خود سرباز زد. تصمیمی که در ورای آن نمی‌توان از نقش حزب مشارکت چشم‌پوشی کرد.

تحکیم وحشت با خروج از جبهه‌ی دوم خرداد با تشکیل جبهه‌ی "دموکراسی خواهی فراگیر" اعلام استقلال کرد. بسیاری بر این باورند که سهم خواهی دفتر از قدرت و سرپیچی رفورمیست‌ها از عمل به وعده‌هایی که در این مدت محرک فعالیت تحکیم وحشت در حمایت از چپ نظام بود، عامل اصلی انشعاب "جبهه‌ی دموکراسی خواهی فراگیر" از هم‌پیمانان سابق بوده است. جبهه‌ی دموکراسی خواهی ائتلافی از انجمن‌های اسلامی، حزب مشارکت و نیز ملی‌مذهبی‌هایی است که بار دیگر از سوراخ‌های خود بیرون خزیده‌اند تا مگر فرصت طلبانه بر موج نارضایتی مردم سوار از قدرت خیالین آینده بهره‌ای ببرند. این بار نخاله‌هایی در کنار هم جمع شده‌اند که در کارنامه‌ی هر یک لیست بلندی از خیانت به کارگران، دانشجویان و توده‌های زحمتکش به ثبت رسیده است.

اما این ائتلاف سیاه نیز راه به جایی نبرده است، وضعیت فعلی دفتر تحکیم و حامیان آن در حکومت گواه بر شکست رفورم در نظام است، اندیشه‌ی انقلاب بیش از پیش در اذهان می‌درخشد. دیگر دوران تنوری‌های پوسیده مردم‌سالاری دینی، لیبرال‌دموکراسی و انواع و اقسام یاهوگویی‌های سرمایه در توجیه استثمار خود گذشته است. افول دفتر تحکیم وحشت چندان شگفتی

نمی‌آفریند، چرا که حامیان پشت پرده ی آن از صحنه ی قدرت توسط نسل جدید اقتدارگرایان حذف گشته اند و این خود بهترین گواه است بر وابستگی ابدی این تشکل تحمیل شده بر جنبش دانشجویی به حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی.

امروز جنبش دانشجویی برای بازسازی خود ابتدا باید با چنین تشکل هایی که وبال گردن آن شده‌اند تصفیه حساب کند و سپس برای خروج از بن بست حاضر هم پیمانان واقعی خود را در میان توده‌های مردم، کارگران و سایر اقشار ستمدیده بجوید تا بتواند پویایی خود را همواره حفظ کند چرا که کناره‌گیری از اکثریتی که همواره مورد اجحاف هر نظام سرمایه قرار می‌گیرند، بزرگ‌ترین عامل ضعف جنبش دانشجویی است.

رُزَا جوان

۹ خرداد ۱۳۸۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶